



پیش‌ها و پاسخ‌ها

کد پرسش: ۲۶۴

احکام

احکام زکات، خمس، صدقه، هبه، قرض،
وقف و عاریه

پرسش کننده: زهرا حکیمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره پرسش: ۱۱

تاریخ پرسش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۷

به چه چیزهایی خمس تعلق می‌گیرد؟ آیا به هدیه‌ای مثل خانه، طلا و غیره که همسر یا کسی دیگر داده است، خمس تعلق می‌گیرد؟

پاسخ به پرسش شماره: ۱۱

تاریخ پاسخ به پرسش: ۱۳۹۵/۱۰/۲۳

خمس مالیاتی شرعی است که بنا بر کتاب خداوند، به هر مال مغتنمی تعلق می‌گیرد؛ چراکه خداوند با لفظی عام فرموده است: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ﴾ (أنفال / ۴۱)؛ «و بدانید هر چیزی که مغتنم یابید، هرآینه خمس آن برای خداوند و برای پیامبر و برای نزدیکانش و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان (آنان) است» و ﴿أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ﴾؛ «هر چیزی که مغتنم یابید» در سخن او، اگرچه به سبب غنیمت جنگی در غزوه‌ی بدر نازل شده است، شامل هر فایده‌ی مالی فوق العاده و دور از انتظاری مانند آن می‌شود؛ چراکه از یک سو «غنم» در لغت به معنای به چنگ آوردن چیزی بدون مشقت یا توقع است و از سوی دیگر ملاک حکم - جز در قضایای خارجیّه - عموم لفظ است نه خصوص سبب، و با این وصف، تردیدی نیست که خمس به هدیه تعلق می‌گیرد؛ همان طور که به چیزهایی مانند گنج، معدن، جایزه، سود هنگفت از معامله و ارث از خویشاوندی دور که غالباً از او ارث برده نمی‌شود، تعلق می‌گیرد؛ زیرا همه‌ی این‌ها چیزهایی مغتنم به معنای فواید مالی فوق العاده و دور از انتظاری هستند که در عرف ناشی از بخت و اقبال شمرده می‌شوند؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«كَتَبْتُ إِلَى الْمَنْصُورِ أَسْأَلُهُ عَمَّا يَجِبُ فِيهِ الْخُمْسُ، فَكَتَبَ إِلَيَّ بِخَطِّهِ: إِعْلَمْ بِرَحْمَتِكَ اللَّهُ أَنَّ كُلَّ مَا يَرِزُكَ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَحْتَسِبُ فِيهِ الْخُمْسُ كَالْغَنِيمَةِ وَالْكَزْبِ وَالْمَعْدِنِ وَالْحَلِيَّةِ الَّتِي تَسْتَخْرِجُهَا مِنَ الْبَحْرِ وَالْهَبَةِ وَالْجَائِزَةِ وَالْفَائِدَةَ الْكَبِيرَةَ الَّتِي تَفْضُلُ عَنْ مَوْوَنَتِكَ وَالْمِيرَاثِ الَّذِي لَا تَحْتَسِبُهُ مِنَ الْبَعِيدِ وَالْمَالِ الَّذِي تَكْزِرُهُ فَلَا تَأْكُلُ مِنْهُ وَلَا تُنْفِقُهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِذَا حَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ فَعَلَيْكَ فِي ذَلِكَ الْخُمْسُ تُخْرِجُهُ إِلَى خَلِيفَةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ

وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ مِنْ آلِ هَاشِمٍ إِنْ كُنْتَ آمَنْتَ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلَ عَلَيَّ عَبْدِي
 يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ «برای منصور نوشتم و از او
 درباره‌ی چیزی پرسیدم که در آن خمس واجب است، پس با خط خود برایم نوشت:
 بدان - خداوند تو را رحمت کند- که هر چه خداوند تو را از جایی که نمی‌پنداری
 روزی می‌دهد، در آن خمس است، مانند غنیمت و گنج و معدن و زیوری که از
 دریا بیرون می‌آوری و هدیه و جایزه و سود هنگفتی که از مخارجت بیشتر است
 و میراثی که به آن گمان نداری از (خویشاوندی) دور و مالی که آن را می‌انباری،
 پس نه از آن می‌خوری و نه در راه خداوند انفاق می‌کنی هرگاه یک سال بر آن
 بگذرد، پس بر تو در آن خمس واجب است که آن را به سوی خلیفه‌ی خداوند در
 زمین و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان از خاندان هاشم بیرون می‌آوری، اگر
 به خداوند و چیزی که بر بنده‌اش در روز جدایی - روزی که دو گروه با هم رویارو
 شدند- ایمان داری و خداوند بر هر چیزی تواناست!»

اما آیا این حکم شامل چیزی اندک که عرفاً دارای ارزش قابل توجهی نیست هم می‌شود؟
 در این باره دو احتمال است: یکی آنکه می‌شود؛ زیرا «هر چیزی که مغتنم یابید» در سخن
 خداوند مطلق است و تقیید آن به چیزی که عرفاً دارای ارزش قابل توجهی است جایز نیست
 و دیگری آنکه نمی‌شود؛ زیرا «هر چیزی که مغتنم یابید» در سخن خداوند مطلق نیست،
 بل منصرف به چیزی است که عرفاً دارای ارزش قابل توجهی است؛ با توجه به اینکه چیزی
 کم‌ارزش و غیر قابل توجه، عرفاً فوق العاده و دور از انتظار نیست و تبعاً مغتنم محسوب
 نمی‌شود و از این رو، در برخی روایات اهل بیت برای فایده‌ی مالی حاصل از معدن و گنج،
 حدّ نصابی معادل با یک یا بیست دینار قرار داده شده است؛ همچنانکه زکات نیز در اموال
 کمتر از حدّ نصاب واجب نیست و این - صرف نظر از عدم حجّیت قیاس - از مذاق شرع در این
 قبیل احکام حکایت می‌کند، ولی انصاف آن است که این قبیل اجتهادات و روایات واحد یارای
 ایستادگی در برابر نصّ خداوند را ندارند؛ زیرا اطلاق نصّ او هر فایده‌ی مالی فوق العاده و دور
 از انتظاری - اگرچه اندک - را شامل می‌شود، بلکه سیاق آن در ﴿أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ﴾؛ «هر
 چیزی که مغتنم یابید»، تحمّل تقیید را ندارد و با این وصف، خمس به چیزی اندک که نزد
 مردم دارای ارزش قابل توجهی نیست هم تعلق می‌گیرد؛ خصوصاً با توجه به اینکه هر اندازه

اندک باشد، نزد خداوند دارای ارزش قابل توجهی است؛ چنانکه فرموده است: ﴿وَلَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (توبه / ۱۲۱)؛ «و هیچ چیز کوچک یا بزرگی را انفاق نمی‌کنند و هیچ منطقه‌ای را نمی‌پیمایند مگر اینکه برایشان نوشته می‌شود تا خداوند آنان را به بهترین چیزی که انجام می‌دادند پاداش دهد»؛ چراکه ممکن است بسیاری از یتیمان، مسکینان و در راه ماندگان هاشمی به نان شب یا روز خود محتاج باشند و با این وصف، خمسی اندک معادل یک قرص نان هم می‌تواند یکی از آنان را از گرسنگی برهاند؛ همچنانکه خمس‌هایی بسیار اندک هرگاه با هم جمع شوند، برای خلیفه‌ی خداوند در زمین پشتوانه‌ای پدید می‌آورند و با این وصف، نمی‌توان چیزی هر اندازه اندک را از شمول خمس خارج کرد؛ خصوصاً با توجه به روایاتی از اهل بیت که آن را «فی کلِّ ما أفادَ النَّاسُ مِنْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ» (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۴۵)؛ «در هر چیزی که مردم از کم یا زیاد به دست می‌آورند» و «جَمِيعَ ما يَسْتَفِيدُهُ الرَّجُلُ مِنْ قَلِيلٍ وَ كَثِيرٍ» (طوسی، الإستبصار، ج ۲، ص ۵۵؛ همو، تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۲۳)؛ «همه‌ی چیزهایی که انسان از کم و زیاد به چنگ می‌آورد» ثابت می‌دانند.

آری، اگر چیزی به اندازه‌ای کم باشد که خمس آن نزد عرف بی‌ارزش و غیر قابل استفاده باشد، خمس ندارد؛ چراکه خداوند به انفاق چیزی امر کرده که مورد علاقه است و فرموده است: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ (آل عمران / ۹۲)؛ «هرگز به نیکی نمی‌رسید تا آن گاه که از چیزی که دوست می‌دارید انفاق کنید»، بل از انفاق چیزهای بی‌ارزش و غیر قابل استفاده نهی کرده و فرموده است: ﴿وَلَا تَبْمَثُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ ۗ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾ (بقره / ۲۶۷)؛ «و ناپاک آن را برنارید انفاق کنید، در حالی که خود گیرندگان آن نیستید مگر اینکه درباره‌ی آن چشم‌پوشی کنید و بدانید که خداوند بی‌نیازی ستوده است»؛ همچنانکه اگر چیزی عین واحد و غیر قابل تقسیم باشد و خارج کردن خمس آن بدون فروش کلش ممکن نباشد، مانند یک قالی یا یک لباس یا یک ظرف یا یک قلم، خمس ندارد؛ چراکه تقسیم آن به منزله‌ی اتلاف آن است و فروش کل آن به خاطر خمسش - اگر در سال از آن استفاده می‌کند - واجب نیست و پرداخت قیمت خمسش از مالی دیگر نیز بر خلاف اصل و ظاهر است و چه بسا عسر و حرج دارد و این از باب سالبه‌ی به انتفاء موضوع است، مگر اینکه با اختیار خود آن را بفروشد که در این صورت به قیمت آن

خمس تعلق می‌گیرد و این مراد علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی از گفتاری است که یکی از یارانمان ما را از آن خبر داد، گفت:

«سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: لَيْسَ فِي الْخَبِيثِ حُمْسٌ وَلَا فِي مَا لَا يُحْمَسُ! قُلْتُ: أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ مَا لَا يُحْمَسُ غَنِيمَةً يَشْتَرِكُ فِيهَا الْمُجَاهِدُونَ؟ قَالَ: يَبِيعُهُ الْإِمَامُ فَيُحْمَسُ قِيمَتَهُ وَ لَيْسَ فِي مَا لَا يُحْمَسُ مِنْ مَالِ الْمُسْلِمِ حُمْسٌ حَتَّى يَبِيعَهُ عَنْ طَيْبِ نَفْسِهِ»؛ «شنیدم منصور می‌فرماید: در خبیث (یعنی چیز حرام و چیز غیر قابل استفاده) خمسی نیست و نه در چیزی که به پنج قسمت (قابل استفاده) تقسیم نمی‌شود! گفتیم: اگر چیزی که به پنج قسمت (قابل استفاده) تقسیم نمی‌شود غنیمتی باشد که مجاهدان در آن شریک هستند چطور؟ فرمود: امام آن را می‌فروشد و قیمتش را به پنج قسمت (قابل استفاده) تقسیم می‌کند و در چیزی از مال مسلمان که به پنج قسمت (قابل استفاده) تقسیم نمی‌شود خمسی نیست تا آن گاه که با رضایت دلش آن را بفروشد!»

حاصل آنکه خمس به هر فایده‌ی مالی فوق العاده و دور از انتظاری مانند غنیمت، هدیه، جایزه، گنج، معدن، زیوری که از دریا بیرون می‌آید، سود هنگفتی که از مخارج انسان بیشتر است، میراثی که به آن گمان ندارد از خویشاوندی دور و مالی که آن را بدون استفاده و انفاق به مدت یک سال می‌انبارد، تعلق می‌گیرد، مگر اینکه عینی واحد و غیر قابل تقسیم باشد تا هنگامی که آن را به پول تبدیل کند، یا خمس آن چیزی بی‌ارزش و غیر قابل استفاده ارزیابی شود. البته اختصاص دادن خمس همه‌ی اموال -و نه صرفاً اموال مغتنم- به خداوند و خلیفه‌اش در زمین مستحب است و به تعبیر خاص علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی «سرّی از اسرار آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم» محسوب می‌شود؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«قَالَ لِي الْمَنْصُورُ: أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى سِرٍّ مِنْ أَسْرَارِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ؟! قُلْتُ: بَلَى، قَالَ: اجْعَلْ حُمْسَ مَالِكَ لِلَّهِ وَ خَلِيفَتِهِ فِي الْأَرْضِ فَإِنَّ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ مُخْلِصًا لَكَانَ مِنْ أَصْحَابِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ»؛ «منصور به من فرمود: آیا تو را به سرّی از اسرار آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم دلالت نکنم؟ گفتیم: آری، فرمود: یک پنجم همه‌ی مالت را برای خداوند و خلیفه‌اش در زمین قرار بده؛ زیرا هر کسی که این کار را با اخلاص انجام دهد، همانا از اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام است!»

تعلیق شماره: ۱

نویسنده: تعلیق: احسان مددی

تاریخ تعلیق: ۱۳۹۷/۶/۲۴

حضرت علامه در پرسش و پاسخ ۲۶۴ مالی که بدون استفاده و انفاق به مدت یک سال انباشته می‌شود را متعلق خمس دانسته‌اند، ولی در پرسش و پاسخ ۳۸۳ فرموده‌اند که در هر مال راکدی زکات است. ممکن است مقصود ایشان را توضیح دهید؟

پاسخ به تعلیق: ۱

تاریخ پاسخ به تعلیق: ۱۳۹۷/۶/۲۶

مقصود ایشان از مال در پرسش و پاسخ ۲۶۴، «عین» است؛ مانند زمین، خانه، خودرو، لباس و مواد غذایی؛ با توجه به اینکه انباشتن آن‌ها بدون استفاده و انفاق به مدت یک سال، قبیح بیشتری دارد و غیر عقلایی‌تر است و از این رو، خمس به آن‌ها تعلق می‌گیرد، ولی مقصود ایشان از مال در پرسش و پاسخ ۳۸۳، «پول رایج» است که هرگاه بدون استفاده و انفاق به مدت یک سال انباشته شود، زکات به آن تعلق می‌گیرد؛ چراکه مقصود از تعلق زکات به دینار و درهم در روایات متواتر، تعلق آن به پول رایج است و با این وصف، سایر اموال به استثنای مواردی که در پرسش و پاسخ ۳۸۳ نام برده شده‌اند، متعلق زکات نیستند، بلکه متعلق خمس هستند؛ زیرا از یک سو عموم آیه‌ی خمس و آیاتی که از انباشتن مال بدون استفاده و انفاق نهی می‌کنند، شامل آن‌ها نیز می‌شود و از سوی دیگر، خلیفه‌ی خداوند در زمین آن‌ها را متعلق زکات ندانسته است. بنابراین، هر مالی که بدون استفاده و انفاق به مدت یک سال انباشته می‌شود، متعلق خمس است، به استثنای مواردی که زکات به آن‌ها تعلق می‌گیرد.

دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی
بخش پاسخگویی به پرسش‌ها

